

# ادبیان ایران قبل از اسلام

نگارش - امانوئل آرا ژرتر

ترجمه دکتر سید ابوالقاسم پورحسینی  
استادیار رشته فلسفه دانشکده ادبیات  
دانشگاه تهران

ایران سرزمینی است که در طی تاریخ سه نوع  
خدایپرستی: ۱ - چندخدایی<sup>۱</sup> ۲ - ثنویت<sup>۲</sup> ۳ -  
توحید<sup>۳</sup> را به جهان بشریت عرضه داشته است.

ایران در ابتدا دارای خدایان ابتدائی بود و  
با ظهور زرتشت خدایان متعدد به خدای واحد  
«توحید» منجر گردید و آنگاه در مذهب «مانی»<sup>۴</sup>  
اعتقاد به مبارزه بین قوای نیکی و نیروهای بدی و  
پلیدی رواج پیدا کرد.

علاوه بر این، ایران بر اثر انتشار رموز و  
اسرار آئین «مهری»<sup>۵</sup> تأثیر عمیقی در اعتقادات  
کفرآمیز رومی‌ها و به واسطه اعتقادات «مانی»<sup>۶</sup>  
تأثیری نه چندان شگرف در بعضی فرق جدید  
مسیحیت داشته است.

این سرزمین وسیع شرقی، که از یکسوی  
با شبه‌جزیره هندوستان رابطه داشته و خصوصیات  
آب و هوائی و اقلیمی و روحی آن در ایران اثر  
گذاشته و از سوی دیگر با نژاد سامی در ارتباط  
بوده است و سنت‌های مهمی از آن قوم اخذ کرده،  
محل برخورد و ملتقای انواع افکار و نفوذ تأثیرات  
گوناگون دینی و الهی بوده است.

مجموعه این اعتقادات، مرکب است از عوامل  
غیبی و عناصر پنهانی که در آئین متقدم زرتشت  
با هم آمیخته و پس از هجوم و مهاجرت آریایی‌ها،



- 1 - Polythéisme
- 2 - Dualisme
- 3 - Monothéisme
- 4 - Mithraïsme
- 5 - Manichéisme

از سنن مغ‌ها<sup>۱</sup> (مغان) و عقاید مردمان بومی این سرزمین با هم ترکیب و تألیف یافته و افکار نوین التقاطی را پدید آورده است .

خدای متعال ، اهورامزدا ، خالق جهان ، ملکوت آسمان ، خدای خاص سلطنت زمین ، به صورت آتش تجسم می‌یافته است .

چه بسا ، این خدا ، از سرزمین سامی‌ها<sup>۲</sup> آمده ! و در معرفت روحانی و مذهبی جدید ایران وظیفه‌ای اساسی را به عهده داشته است .

خدای «مهر» و الهه «آناهیتا» در جوار اهورامزدا قرار داشته‌اند . جدائی از مقام خدائی و انشکاک این خدایان از جایگاه الوهیت و نزول به حد فرشتگان در خصوصیات نهضت دین و مذهب در سرزمین ایران بوده است .

آشوزرتشت ، باستانی‌ترین و مشهورترین مجددین مذهب در ایران زمین بوده است گویا این بزرگ‌مرد ، در قرن چهارم قبل از میلاد می‌زیسته و زندگانی او پیوسته با حوادث بسیار شگفت قرین بوده است .

به هنگام تولد ، به نحو معجزه آسائی از جنگ جادوگران و ساحران که در صدد قتل او بودند رهائی می‌یابد و در حدود سن بیست‌سالگی به تفکر و تأمل به خلوت و عزلت روی می‌آورد و درباره هستی و وجود به اندیشه می‌پردازد . ده سال بعد ، فرشته نیکی ، «وارونا» (اندیشه نیک) در ساحل رودخانه «دائمی‌تی»<sup>۳</sup> بروی آشکار می‌شود و او را به سوی خدا می‌برد ، در یک لحظه و در یک مشاهده افتخارآمیز ، به فرمان خدا گوش فرا می‌دهد و آیینی را که موظف به ابلاغ و ترویج و انتشار آن بوده‌است فرا می‌گیرد .

مشتاقانه، فرمان الهی را به دل می‌پذیرد و آغاز به تبلیغ رسالت جدید می‌کند و از همان اول ، کفار و منکران درباره او شك می‌کنند و به او بدگمان و ظنین می‌گردند ، و از همه بالاتر

مواجه با خصومت مغان می‌شود که در صدد جنگ وجدال و قتل و قتل برمی‌آیند .

زرتشت درباره یگانگی الوهیت و عظمی‌کند و مقام سایر خدایان و همزادان را از جایگاه خدائی که قبلاً داشته‌اند و با خدا هم‌شان و همتدم بوده‌اند پائین می‌آورد و در صفوف فرشتگان جای می‌دهد . او به تبلیغ ، صفوت و مذهب خالص و مصفا‌ی باستانی و نهضت و تجدد اجتماعی و تشویق مردمان به کار و فعالیت در زمین و بیم و پرهیز از هر نوع پلیدی و زشتی و ندامت و توبه و حذر و گریز از گناه می‌پردازد .

و همچنین به ستایش و ثنای و درود و سرود به وسیله طهارت و عصمت و اخلاص می‌پردازد و با استقامت در دعوت خود کوشاست و هیچ مشکلی نمی‌تواند سد راه او گردد . آنگاه خدا به او امر می‌کند که باب مذاکره را با پادشاه «ویشتاسب» بگشاید ، پیامبر برای اجابت امر ، به سوی شاهزاده می‌آید و مدت دو سال اصول دین و ارکان آئین خود را به گوش او فرا می‌خواند ، بالاخره ویشتاسب با مشاهده معجزات و معاینه نوادر حالات که یکی از آنها ، ظهور و رشد درخت سیدر در برابر قصر وی بوده ، در زمره مبلغین درمی‌آید و با گرویدن او به دیانت جدید گروه بیشتری از مغان آئین نو را قبول می‌کنند . به هنگامی که زرتشت از حمایت شاه بهره‌مند گردید چهل سال داشت . مدت بیست‌وهفت سال با نیروی فوق‌العاده شگرفی به رسالت و پیامبری خود ادامه داد و گویا در جریان جنگ با «هون»ها به دست یکی از آنان به نام «توربراتروت» به سرای جاویدان شتافت و درحالی که رسالت خود را به خوبی به پایان برده بود ، ثنویت زرتشتی جهان را دستخوش مبارزه و جدال بین دو نیرو می‌دانست ، یکی اورمزد خدای نیکی و دیگری اهریمن روح زشتی و پلیدی . این تقابل در تمام اجزاء و ذرات موجودات



جهان و حتی در دل انسان مشهود است. خیر و شر، در عالم اثیری معنوی (روحی) متضاد یکدیگرند همان طوری که در عالم مادی (در روی زمین) روشنائی و تاریکی با یکدیگر در تضاد هستند.

از آغاز پیدائی جهان، جنگ و تعارض پدید آمد، یعنی از همان هنگامی که اهریمن دید که اورمزد به خلق روشنائی آفرینش حیات دست یازید آتش بغض و کینه اش مشتعل شد و نافرمانی جنگ روشن گردید.

این جنگ دائمی است بین دونیروی متضاد، قوای مجهز و آماده کارزار دوقوه متقابل خستگی ناپذیرند و پیوسته در حال جدال و تعارض.

در پیرامون خدای نیکی، شش مشاور یا فرشته که عبارتند از: «اندیشه نیک» و «بند نیک» یا مانند «ارونا» که در ساحل رود دائی تی بر زرتشت نازل شد یا عالی ترین فضائل، «صحت و عافیت»، «جاویدانی»، «سخاوت و بزرگی منشی» و «باروری» وجود و حضور دارند.

پائین تر از این فرشتگان (امشاسپندان) تعدادی از فرشتگان دیگر وجود دارند که برای بعضی از آنان در طی روزها و ماههای سال، مراسمی انجام می گیرد، بعضی از این فرشتگان تجسم و تجسد ماه و آتش و هوا و باد بوده اند.

در میان خدایان یکی خدای «خورشید» مهر<sup>۱۰</sup> بود که در کیش زرتشت مقام مشتع و عالی خود را از دست داده و از مقام الوهیت ساقط شده بود. در مقابل و برابر این دسته فرشتگان آسمانی، قوای پلیدی و زشتی و اهریمنی وجود دارند. اهریمن به موکلان ظلمات و دروغ فرمان داد که برای مقابله با فرشتگان نورانی و پاک و بهشتی به مقابله برخیزند و به دشمنی آنها، تاریکی و جهنم را ایجاد کنند. اهریمن در مقابل خدای روشنی و نور، تاریکی و ظلمت را آفرید.

اهریمن را ایادی و مددکاران زیادی است که از جمله آنهاست، ارواح پلید شرارت و زنا و شیطنت، قوای بی شماری از روان های دوزخی، همزادانی که موکل گناهان و موظف به فتنه جوئی و جادوگری هستند.

حالا ببینیم این جنگ و تعارض چگونه صورت می پذیرد - جنگی که در آن، تمام افراد نسل بشر مشارکت و دخالت دارند؟

زرتشت طرح و نقشه این نمایش را فراهم می آورد و صحنه های اساسی و کلی آن را مشخص می سازد و حتی نام چندتن از بازیگران آینده

۶ - در بابل و آشور قدیم معها که از آنها تعبیر به جادوگران می شده طبقه خاص مذهبی را تشکیل می داده اند. در ایران، مغان هم عالم روحانی و هم ستاره شناس بوده اند. زرتشت سعی کرد که آنها را به صورت فرقه ای مذهبی در آورد ولی در طی قرون کار عمده آنها پیشگوئی و غیبگوئی و جادوگری بوده است و لفظ Magie به معنای جادوگری ماخوذ از کلمه Mage یا مع است.

۷ - نگارنده درباره این که اهورامزدا از بابل آمده، سند مدرکی به دست نداده و چه بسا دچار اشتباه شده باشد و اشتباه از آنجا روی داده که در گاهها (گاتها) کلمه Ahura به صورت Asuras قید شده و کلمه اسور شاید او را به یاد آشور و بابل انداخته و در گاهها آمده که آسورا فرشته نیست بلکه از خدایان سیگ هستند (هر چند این گمان مترجم هم ضعیف است).

#### 8 - Daitya

۹ - وارونا بر زرتشت ظاهر نشده بلکه وهومنه (بهمن) بر زرتشت نازل شده است (نویسنده در این جا هم دچار اشتباه شده است).

۱۰ - خدای خورشید Mithra

صحنه‌های این نمایش را ذکر و پیش‌بینی می‌نماید زرتشت نقش هریک و زمان آن را معین و وظائف هر کس را مشخص و سرانجام امر را معلوم می‌سازد. تاریخ بشریت بر حسب رأی زرتشت متضمن چهار دوره سه هزار ساله است. اولین دوره، دوره خلق و آفرینش معنوی است، اورمزد آغاز به خلق می‌کند و از نیستی و عدم روشنی‌جهش پیدا می‌کند و جدال اهریمن شروع می‌شود و معارضه و جدالی آغاز می‌گردد که نه هزار سال مدت آن طول خواهد کشید.

دومین دوره، دوره خلق و آفرینش مادی است و اورمزد به خلق آسمان و زمین، حیوانات و انسان می‌پردازد و اهریمن برای مقابله با این مخلوقات اورمزدی، همزادان و غولان زمینی را خلق می‌کند.

سومین دوره، که بعد از دومین دوره آغاز و تا آمدن زرتشت طول می‌کشد و در طی این دوره نیمی از وجود و حیات آدمیزاد را دربردارد. چهارمین دوره، تاروزبازپسین، روز حساب و حکم و قضا و سنجش، طول می‌کشد. هزارسال بعد از مرگ صاحب نهضت (زرتشت) اولین ناجی از منجیان جهان ظهور می‌کند و گفتار او قول نیک را در میان امت می‌پراکند.

هزارسال دیگر چون بگذرد، حوادث عمده‌ای از جنگ قدیمی بین دواصل نیکی و بدی صورت می‌پذیرد: اژدهای (سناک) به سوی خائست و هستی و آفریدگان حمله می‌کند اما «ناجی ثانی»<sup>۱۱</sup> او را خواهد کشت.

هزار سال دیگر جو پیش آید، دوره آخر زمان است و ناجی نهائی (سوشیانس) ظهور می‌کند و دنیا پر از عدل و داد و دهش خواهد شد.

این سه ناجی، از سه دوشیزه (باکره) که از تخمه زرتشت هستند و خون آن مرد پاک در رگهای آنها جریان دارد زاده می‌شوند.

آنگاه، جهان خاتمه می‌پذیرد در فتح و ظفر اورمزد و «سان هیان»<sup>۱۲</sup> به دعوت واحیاء مردگان ندا درمی‌دهد تا برای تصفیه نهائی از خاک برخیزند و محاکمه و قضاوت ارواح انجام می‌شود و ارواح پاک بعد از توبه به زندگانی در صالح ازلی و جاودانی ادامه می‌دهند.

در طول سه روز مردگان در اقیانوسی از فلز مذاب که از دل کوهها ذوبان و میعان دارد غوطه می‌خورند اما این میعان برای ارواح پاک و مقدس دارای لطافت و رقت مطبوعی می‌شود ولی برای ارواحی که دستخوش گناه قرار گرفته‌اند به صورت یک شکنجه و مصیبت دهشتناکی درمی‌آید.

نیکوکاران جوانی و طراوتی از نومی‌گیرند و مهیا برای زندگی ملکوتی می‌شوند و همه مردگان از هر نژاد و هر قوم از جام ازلی و جاودانی می‌آشامند و جان می‌گیرند و سرمست می‌شوند. تعارض و جدال بین نیکی و بدی آخرین تحول را پیدا می‌کند و اهریمن مغلوب می‌شود و ایادی و قوای او در درکات جهنم می‌افتند. آنگاه زرتشت بر بالای جایگاه مقدس عروج می‌کند تا آخرین مراسم با شکوه پایان زمان را، برگزار نماید.

\*\*\*

در روزگاران بعد، تعدادی از حماة و طرفداران نهضت زرتشتی متعایل به مشرب (توحید) شدند و اعتقاد به (زمان بی‌کراهه) پیدا کردند که حدیث آن بر زبان زرتشت بر سیل تمثیل رفته بود. اینان زمان بی‌کراهه را به مشابه خدای حقیقی بالاتر از دو مبداء خوبی و بدی می‌دانستند.

11 - Keresaspa

12 - Sanhiant



و عذاب و شکنجه بسر خواهد برد .  
 اما این قضاوت موقتی است و مستلزم شکنجه  
 و عذاب دائمی نیست و هیچ محکومی تا ابد در  
 عذاب باقی نمی ماند ولی تعدادی از ارواح آلوده  
 و منحرف در عاقبت امر ، معدوم و نابود می شوند .  
 اما کالبد و تن ، اگر وظیفه اش را در زمان  
 حیات ، به خوبی انجام داده باشد ، بر اثر فساد  
 اجزاء ، زمین بارور را آلوده نمی سازد و نیز به  
 آتش الهی دچار نمی شود . اجساد در دخمه ها و  
 برج های سکوت ، به وسیله مرغان شکاری تاراج  
 می گردند .

\*\*\*

زرتشت ، به یمن نهضت مذهبی خاص درخشان  
 و خوش بینی وسیع ، ذوق و علاقه و تشویق به کار  
 و فعالیت ، خوش آیندی حیات ، میل و شوق به  
 خلوص و ایثار ، در بین قهرمانان عظیم و ارواح  
 بزرگ کرمانشاه مقام متعالی و با ارجی را احراز  
 می کند .

ایرانیان - روزگاران دراز ، ناجی حیات  
 معنوی و آئینی خود را گرامی می دانند و به یاد  
 قدرت کهن خداوندان باستانی خود روزگار به سر  
 می برند تا آنگاه که ایران دستخوش حمله اعراب  
 قرار گرفت و دیانت اسلام را در این سرزمین بسط  
 دادند . هم اکنون در هند ، پارسیان ، آئین و کیش  
 باستانی خود را حفظ می کنند و به عبادت دیرین  
 خود ادامه می دهند و آئین آنها با الهیات آئین  
 هندو به هم آمیخته است .

\*\*\*

یکی از خدایانی که به وسیله زرتشت از تخت  
 عزت ربوبیت فرو افتاد و به حد فرشتگی تنزل یافت  
 « مهر » و یا « آئین مهری » بود .

گروهی از پیروان زرتشت از طریق دیگر  
 به « وحدت » رسیدند . آنها چنین پنداشتند که  
 « روح پلید » ، از شك و تردیدی که در « روح  
 پاک » حاصل شد پدید آمده است . بدین ترتیب دو  
 اصل « نیکی و بدی » دارای يك منبع و متعلق به يك  
 ذات و جوهر هستند و بدین طریق وحدت جهان را  
 نیز تثبیت نمودند .

\*\*\*

نکته خیلی جالبی که در اینجا مطرح می شود  
 این است :

چون مرگ فرا رسد سرنوشت انسان چیست ؟  
 و برای او چه پیش خواهد آمد ؟ پیش از این گفته  
 شد ، به محض این که آخرین دم هستی از کالبد  
 انسان خارج شد ، روح به مدت چند روز در پیرامون  
 جسد و کالبدی که آن را ترك کرده ، و هنوز  
 بواسطه حساسیت و انس ، با او پیوند دارد به  
 حرکت در می آید و در اطراف جسم و تن می چرخد .  
 بعد نسیمی وزیدن می گیرد و او را مانند برگ لطیف  
 نامرئی می کشد و به سوی پل چینوات<sup>۱۳</sup> می برد .  
 روح سرنوشتی شبیه به اعتقاد یونانیان در بساطه  
 « سرانجام روح » پیدا می کند و بعد از عبور از  
 ستیکس<sup>۱۴</sup> خود را در حضور قاضی به نام های  
 مهر و سراسی<sup>۱۵</sup> و راشنا<sup>۱۶</sup> می یابد . و به مانند ،  
 سرنوشت روح در اسطوره مصریان مواجه با « میزان  
 سنجش » حیات فانی می شود .

بعد او را نزدیک پل افسانه ای می آورند ،  
 اگر ثواب کار باشد نجات می یابد ، بدین طریق ،  
 پل به روی او گشاده می شود به سوی آسمان ها در  
 محل بخشایش و عنایت ، و به جایگاه نیک اندیشان  
 و نیک گفتاران و نیک کرداران می رسد . اگر  
 گناهکار باشد راه بر او تنگ می شود و در تنگنا  
 و غرقاب و درکات زیرزمینی در اندوه و پشیمانی

در ابتدا «مهر» به چهرهٔ خدائی است که یک گاو نر را قربانی می‌کند و از خون او تمام موجودات حیّه خلق می‌شوند.....

آئین او در قرن چهارم تا دربار سلطنتی و معبد آن کشانده می‌شود. و به صورت خدای نور و روشنائی و حقیقت تجسم می‌گردد.

از بطن این آئین که خورشید را مظهر الوهیت می‌دانست مراسم و آدابی پدید آمد که پیروان با نهایت خضوع انجام می‌دادند و از این مذهب باستانی، آیینی نو خاسته تجلی کرد که تا مدت‌ها در برابر مسیحیت جوان و تازه تأسیس، قد علم کرد و با آن به رقابت برخاست.

مرکز رشد و تکامل آئین مهر در سرزمین بابل بود و به وسیلهٔ مغان در نقاط مختلف جهان پراکنده شد. از قدیم در بابل خورشید قدر و منزلتی داشت و این سابقه به بسط آئین مهر کمک کرد.

در هر صورت، مهر به صورت خدائی که عمر جاودان می‌بخشد و حامی و خیرخواه بشریت است درآمد.

اسراری که به آداب و تشریفات این آئین افزوده شد ارزش آن را بالا برد و موجب شد که پیروان آن روز به روز افزوده گردید. علت علاقه‌مندی مردمان بدین آئین دو سبب داشت:

از یک سوی، آئین مهر با شعارهای برابری و برابری عرضه می‌شد و همین امر موجب استقبال گروه‌هایی شد که از روم به سوی مشرق رانده شده بودند. از اوان عهد مسیحیت در تمام امپراطوری روم، با تشریفات و آیینی خاص منتشر می‌گردید

و چون بعضی آداب آن ساده بود، پیروان این آئین را به شکل «سربازان الهی» می‌شناساند. از سوی دیگر، آئین مهر بدان سبب در مغرب زمین رواج یافت که اعتقاد به خورشید (شس - مهر) مقدمهٔ گرایش مردمان از پرستش خدایان متعدد به سوی خدای واحد بود.

کسانی که تازه به این آئین روی می‌آوردند، می‌بایستی مراتب و مراحل مختلفی را بگذرانند و در هر مرتبه و مرحله نام خاصی به آنها تعلق می‌گرفت از جمله:

کلاغ - اهل سر - سرباز - شیر - ایرانی - پیک خورشید - و آخرین مرحله عنوان، پدر داشت. تازه‌واردان به این آئین مانند اسرار فرقه‌های مذهبی یونانی، بایستی از عهدهٔ امتحان‌ها و آزمایش‌های متعددی برآیند و در مراسم سری که جنبهٔ نمایشی و تمثیلی از لغز و معما و تظاهراتی از نور و روشنائی داشت شرکت کنند و این مراسم دارای جاذبهٔ شگرفی بود.

علاوه بر این مراسم، ریاضت‌های بسیار شدیدی به پیروان تعلیم می‌شد و مخصوصاً کسانی که بعداً می‌خواستند به مقام پیشوایی مذهبی برسند بیشتر بایستی ریاضت‌ها را تحمل کنند و مخصوصاً به روزه‌داری و سکوت و تحمل ضربات شلاق و تنبیه بدنی تیرین و ممارست نمایند.

در طی این ریاضت‌ها به تازه‌واردان نوعی تعلیمات عالی اخلاقی، اندرزهائی دربارهٔ فضائل، نوعی اخوت صمیمانه و مساوات، ترغیب و امیدواری به زندگانی اخروی داده می‌شد و برای نجات و رهایی و سعادت حیات آتی، نیازها و قربانی‌ها و

13 - Chinovat

14 - Styx

15 - Sraochi

16 - Rachna



پیشکشی‌ها و احترامات (به منظور قربت نسبت به خدا) تقدیم و عرضه می‌گردید. این قربانی‌ها شبیه آنگونه ستایش و احتراماتی بود که در مصر نسبت به «اوزیریس» مرعی می‌شد.

در قرن چهارم میلادی معبدی از کیش مهر در اسپیر<sup>۱۷</sup> پیداشد. ژولین<sup>۱۸</sup> امپراطور سعی بیهوده به خرج می‌داد تا این معبد را در برابر کلیساهای مسیحی پایدار و مستقر نگاهدارد. و چه بسا مهر آخرین خدائی بوده است که حکومت اشرافی‌روم سعی داشته است با نشر و ترویج آن غلبه و تسلط مسیحیت را تا مدت زمانی به تأخیر اندازد.

اما با همه مجاهده امپراطوران، در آغاز قرن پنجم میلادی مسیحیت سلطه خود را بدست آورد.

خدای مهر اگر در اروپا نفوذ می‌یافت و بر آن خطه تحمیل می‌شد نفوذ معنوی ایران بر آن سرزمین گسترده می‌شد ولی به‌جای آن، مانی، مرد انقلابی مذهبی جدید با نوآوری‌های جدید با مسیحیت مواجه شد و آن آئین با اندیشه‌های وسیعی که داشت در قلمرو مسیحیت نفوذ یافت و فرقه کاتاریسم<sup>۱۹</sup> را تحت تأثیر شدید خود قرار داد. مانی که منسوب به خانواده شاهان پارسی است در سال ۲۱۵ میلادی در بابل متولد شد، پدر او به فرقه مذهبی ریاضت‌پیشه‌ای منسوب گردید و در سلک پیروان یکی از فرق مسیحی درآمد و غسل تعمید دید.

مانی در چنین خانواده‌ای رشد و نمو یافت و چون به سن بیست و پنج سالگی رسید، چنین پنداشت که فرشته‌ای به او الهام می‌کند و به مانند زرتشت نام آن فرشته را «اندیشه نیک» نهاد و چنین می‌انگاشت که به او رسالت ویژه‌ای داده شده و

برعهده او است که آن رسالت را به پایان برد.

تاریخ زندگانی مانی بسیار شگفت‌انگیز و دارای نوساناتی است. گاهی ثمربخش و شکوفا و زمانی رنج‌آور و غم‌انگیز است و با مرگی هولناک جهان را بدرود گفت و مانند بسیاری از نوآوران و بدعت‌گذاران صفحه آخر زندگی او غم‌پرور و دردآلود است. او خود را «فارقلیط» می‌دانست همان موعودی که حضرت مسیح در آخرین روزی که با حواریون به صرف غذا پرداخت و مراسم عشاء ربانی را بجای آورد وعده ظهور او را داده بود.

مانی به بنیاد آئینی پرداخت که تعالیم مسیحیت را با اندیشه‌های ایرانی به هم آمیخت، از یک سوی به اخذ معرفت باطنی پرداخت و آنچه را که از کتب مقدس و گفته‌های آباء مسیحی مناسب می‌دید برگزید و از سوی دیگر به تثویت ایرانی توجه نمود و موضوع اصالت دو عنصر را که شامل همه موجودات جهان می‌شود از آئین ایرانیان بیرون کشید و آنها را با هم تألیف و ترکیب نمود و نوآئینی عرضه داشت.

مانی درباره جهان دید و نظری خاص داشت و جهان را دارای جغرافیائی معنوی بسیار پیچیده‌ای می‌دانست که در آن دنیا به دو منطقه مجزی و نامساوی تقسیم می‌شد و معتقد بود که در این دو منطقه به ترتیب خیر و شر حکمروائی دارند.

سرچشمه جهان‌شناسی مانی آراء زرتشت بود که معرفت باطنی مسیحیت را بر آن افزوده بود؛ خدای خیر، جهان‌روشنائی را آفرید و فرشتگانی را خلق نمود تا حافظ نور و روشنائی باشند اما خدای شر و پلیدی، فرمانده ظلمات و تاریکی‌ها که کینه‌جو و حسود است بر خلقت خدای خیر رشک برد و

آرزومند بود که بر قلمرو دنیای روشنائی شبیخون زند و آن را تصاحب کند .

خدای روشنائی به وسیله فرشتگان که مخلوقات آرام و صلح طلبی بودند نمی توانست به جنگ قوای اهریمنی و نیروهای پلیدی پردازد ، پس درصدد ایجاد سربازان جنگ آوری برآمد تا به کمک آنها قوای اهریمنی را دفع کند ، پس اندیشید و دست به خلق آدمیزادگان زد . جنگ بین اهریمن و مخلوق جدید اجتناب ناپذیر شد و انسان بین خوبی و بدی مردد ماند که کدام را برگزیند و چه بکند ؟

خدا او را به خود وا گذاشت و زمین را برای استقرار او مهیا ساخت اما انسان ، بعد از آن روز ، بین دو تمایل متضاد (خوبی و بدی) مختار و متحیر ماند ! ؟ دنیای مانی عاقبت و پایانی شبیه به آخرت با شکوهی که زرتشت در آن یاد کرده بود داشت ؛ قضاوت الهی مردمان را در آخرت به سه گروه منقسم خواهد ساخت :

اول - برگزیدگان ، کسانی که در طهارت و تقوی و عدالت و عصمت روزگار بسر برده اند ، اینان پس از مرگ به بهشت می روند و زندگانی سعادت مندانه ای دارا خواهند بود .

دوم - مرددین ، اینان کسانی هستند که عمر را در بطالت و گناه گذرانده اند و زندگانی آنها معیشت و متوسط بوده گاهی بدین سوی و گاهی بدان سوی کشانده می شده و مردد بوده اند این گروه می توانند با توبه و ندامت زندگانی آزمایشی مجددی را تحمل کنند و تجسید جدید و حیاتی نو بیابند و از نو مسیر حیات را از سر بگیرند و تحت آزمون الهی در آیند .

سوم - گناهکاران و منحرفین که بلافاصله

پس از مرگ به درکات جهنم سرنگون می شوند ،

\*\*\*

مانی مانند حضرت مسیح دارای دوازده حواری بود و سازمانی شبیه به تشکیلات مسیحیت ایجاد نموده بود .

تبلیغات مانی ، شاپور اول را به قبول دیانت او واداشت و او مدتی بر این آئین بود ولی پس از مرگ وی چون مانی حامی نداشت ایران را ترک کرد و روانه چین شد . بعد پنداشت که می تواند ولیعهد را به تخت شاهی بنشاند ، به این امید به ایران آمد و رسالت خود را از سر گرفت . ولی چون باز آمد بخت از او برگشت و مواجه با خصومت های سخت و لجوجانه شد و سر خود را بر سر این سودا باخت ، زنده پوست او را کردند و به دروازه آویختند و مرگ جانگاهی نصیب وی شد ، اما آرا ، و اندیشه های او مدت ها در آسیای صغیر و شمال آفریقا و حتی تا اسپانیا و تا اواسط اروپا نفوذ یافت .

۱۷ - Spire منطقه ای در حوضه رود رن

شوشگاه علوم انسان در قسمت شرقی آلمان .

۱۸ - Julien l'Apostat امپراتور رم (در سالهای ۳۶۱ تا ۳۹۶) طبق دیانت مسیح تربیت شد ولی بعد آن را انکار کرد و سعی می کرد تا آئین ضد مسیح (آیین مهر) را ترویج کند . در میدان جنگ با ایرانیان کشته شد . گویند به هنگام مرگ با آرامش با دوستانش در باره جادوایی روح گفتگو می کرده است .

۱۹ - Catharisme فرقه مذهبی قرون وسطی که اول بار در بین اسلاوها شایع شد و بعداً در فرانسه فرقه آلبی ژوا را پدید آورد .



# مروری بر نهمین جشن فرهنگ و هنر

افکار مانی در آراء آلپی ژواها<sup>۴۰</sup> در معارضه با فرستادگان و پیشوایان دیگر مسیحی متمدن و مؤید آنها بود و آن آراء به وجود مختلف حتی تاروزگاران ما در آراء بعضی از فرق مسیحی تأثیر بخشیده است .

غناي مذهبي روح ايراني امري است غير قابل بحث و گفتگو ، ايران به طرح بزرگترين قالب ذهني بشر ، يعني تصورات خستگي ناپذير انسان ، در جدال بين خوبي و بدی که در دل و قلب بشر سيلان دارد پرداخته است و همچنين ايران درباره اعتقادات و الهاماتي که در طريق خدای يگانه قوام و دوام داشته است پيشقدم و پيش آهنگ بوده است . و به وسيله احياي آئين زرتشت روح توحيد را حفظ کرده و در آتشگاههاي که شعله ازلی « هستی » می فروزد و هرگز نبايستی به دم و دست بشر آلوده شود و تماس با آن بايد با برقع و دهان بند و دستکش صورت پذيرد ، چهره حقيقت در پرتو نور درخشان ( مهر - شمس - خورشيد ) نمايان می گردد که مظهر زميني خدائي است که در ملکوت آسمانها حکومت و سلطنت دارد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۲۰ - Cathares یا Albigeois فرقه مذهبی که از قرن ۱۲ در فرانسه مرکزی در حدود Albi سکونت داشتند . پاپ انیوسان سوم بر علیه آنها اعلام جهاد داد ولی در آن جنگ افراد آن فرقه غالب شدند ، در آراء آنان افکار شرقی مخصوصاً تأثیر داشته است .